

# نکات نودرتایخ هنر و دانش خراسان

ماه ملك ، شاهدخت غور و بنای مدرسه شاه مشهد غر جستان

تکمیل و تصحیح کتیبه‌هایی که نخوانده‌اند

عبدالهی حبیبی - کابل

و تزئین آن به انواع نقوش و زیبایی‌های هنری، کمال مهارت و دست‌های قوی داشته‌اند.

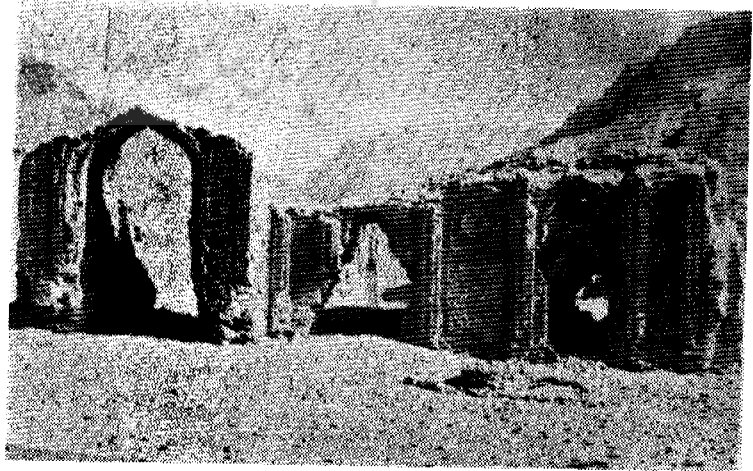
یکی از این ابنیه که ویرانه‌های آن تاکنون باقیست و جلب نظر هنرشناسان را کرده، بنای مدرسه شاه مشهد در ناحیه جوند (مربوط به ولایت بادغیس کنونی غربی افغانستان) است، که شاید وقتی به ولایت غرجستان تاریخی یا غور و هرات مربوط بوده و برکنار چپ رود مرغاب بین ۳۵ درجه و ۲ دقیقه عرض و ۶۵ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی واقع است، و از خود کتابه‌های بقایای این مدرسه ثابت می‌شود، که نام «شاه مشهد» در عصر غوریان و اواسط قرن ششم برین موقع اطلاق می‌شده، ولی نام آن را من در کتب تاریخ و جغرافیای آن زمان نیافتم.

این بنای زیبای تاریخی تا سال ۱۳۴۹ ش ناشناخته ماند، تا نخستین بار یک گزارش مختصر آن با بعضی عکس‌ها در مجله آریانا (شماره ۲۹۱ - جلدی ۱۳۴۹ ش) طبع کابل بزبان پشتو نشر شد و بعد از آن در سال ۱۹۷۱ م آقایان کازمیر و گلتر، عکسها و کتابه‌های آن را با شرحی در

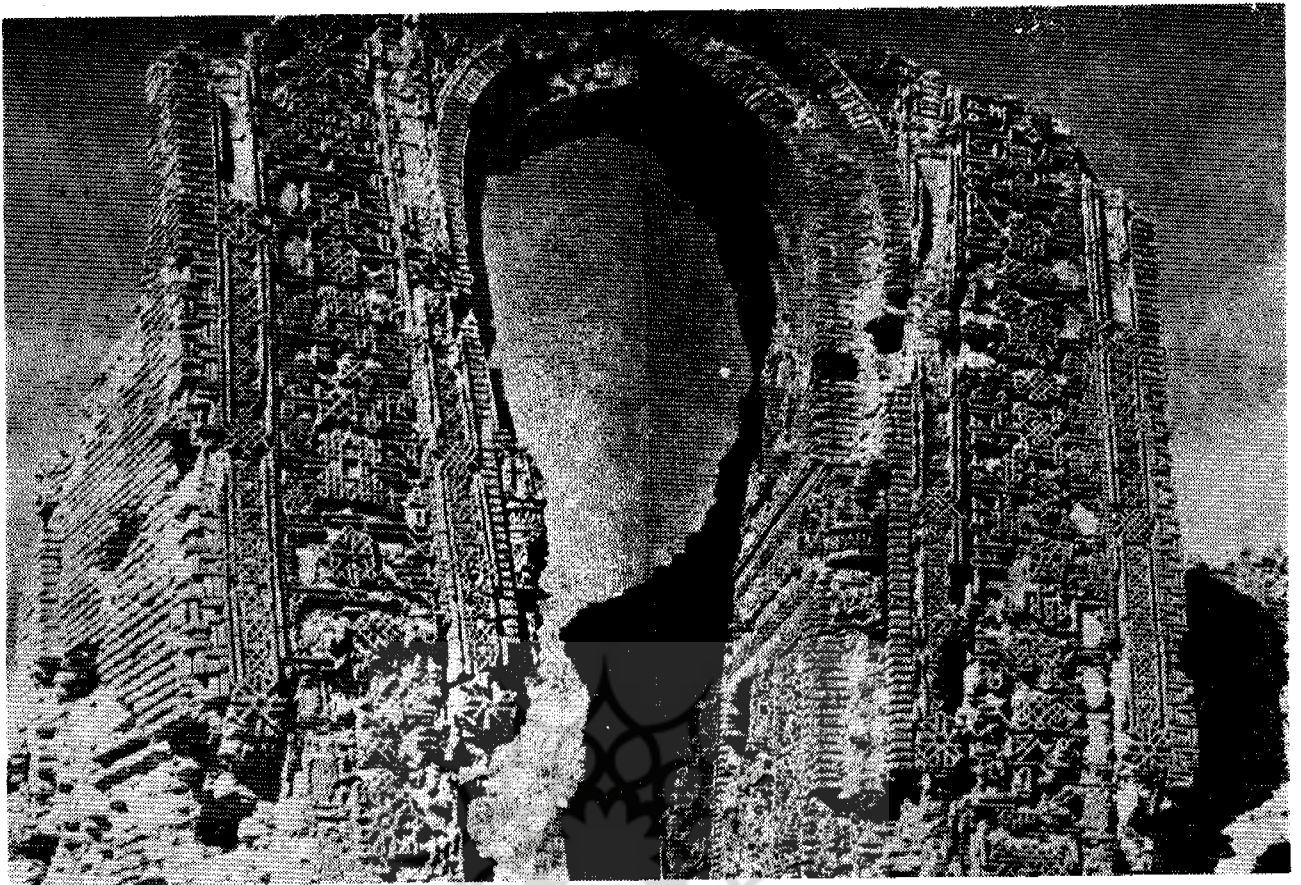
و دیگر حکمداران بومی بسیار کم‌مانده و حتی تعیین مواقع برخی از بلاد قبل از مغول، اکنون مشکل است.

از آثار محدودی که اکنون به صورت ویرانه‌های آن زمان، از تعاریف روزگار باقی مانده و بکلی از بین نرفته، چنین پدید می‌آید، که مردم شش قرن اول دوره اسلامی، درین سرزمین در هنر تعمیر و ابنیه‌سازی بسیار زیبا و نفیس و مستحکم

در نتیجه مقاومت‌هایی که مردم نیمه اول قرن هفتم هجری، در خراسان وسیع قدیم، در مقابل چنگیز و چنگیزیان نشان دادند، شهری بی‌آسیب و ویرانی نماند. بلاد بزرگ که در شش قرن اول دوره اسلامی، در پرتو فرهنگ و تمدن مشترک اسلامی به وجود آمده بودند از بین رفتند، و بقایای ابنیه قبل از مغول، متعلق به دوره‌های سامانیان و صفاریان و غزنویان و غوریان



عکس اول - منظره عمومی جنوب مدخل مدرسه شاه مشهد



عکس دوم (الف) - ایوان بزرگ مدخل جنوبی مدرسه با کتیبه‌ها و تزئینات جناح راست و چپ که مضمون عربی آن در متن مقاله و شرح عکس دوم ضبط است.

تاریخی که از آن بدست می‌آید، اشارت می‌رود :

#### عکس اول :

منظر عمومی ابنیه باقیمانده شاه مشهد، که به طرف جنوب، ایوان‌های عمده مدخل را نشان می‌دهد و رفعت این طاقها از عظمت بقیه بناها نمایندگی می‌کند.

#### عکس دوم : نام بانی مدرسه و سال بنا :

کتابه دو جناح راست و چپ ایوان بزرگ مدخل، با کوفی تزئینی شبیه کتابه‌های گلداز پیچیده در نقاشی‌های گچی و خشتی مقبره پیر علمدار دامغان ۴۱۸ ق و دو بنای سابق‌الذکر جوزجان تزئین گردیده و خوانش کامل آن چنین است :

جناح راست :

سالار جلیل سید منعم‌الرازی (؟) در جوزجان و این بنا در غرجستان، شاید یک یا دو شخص باشد.

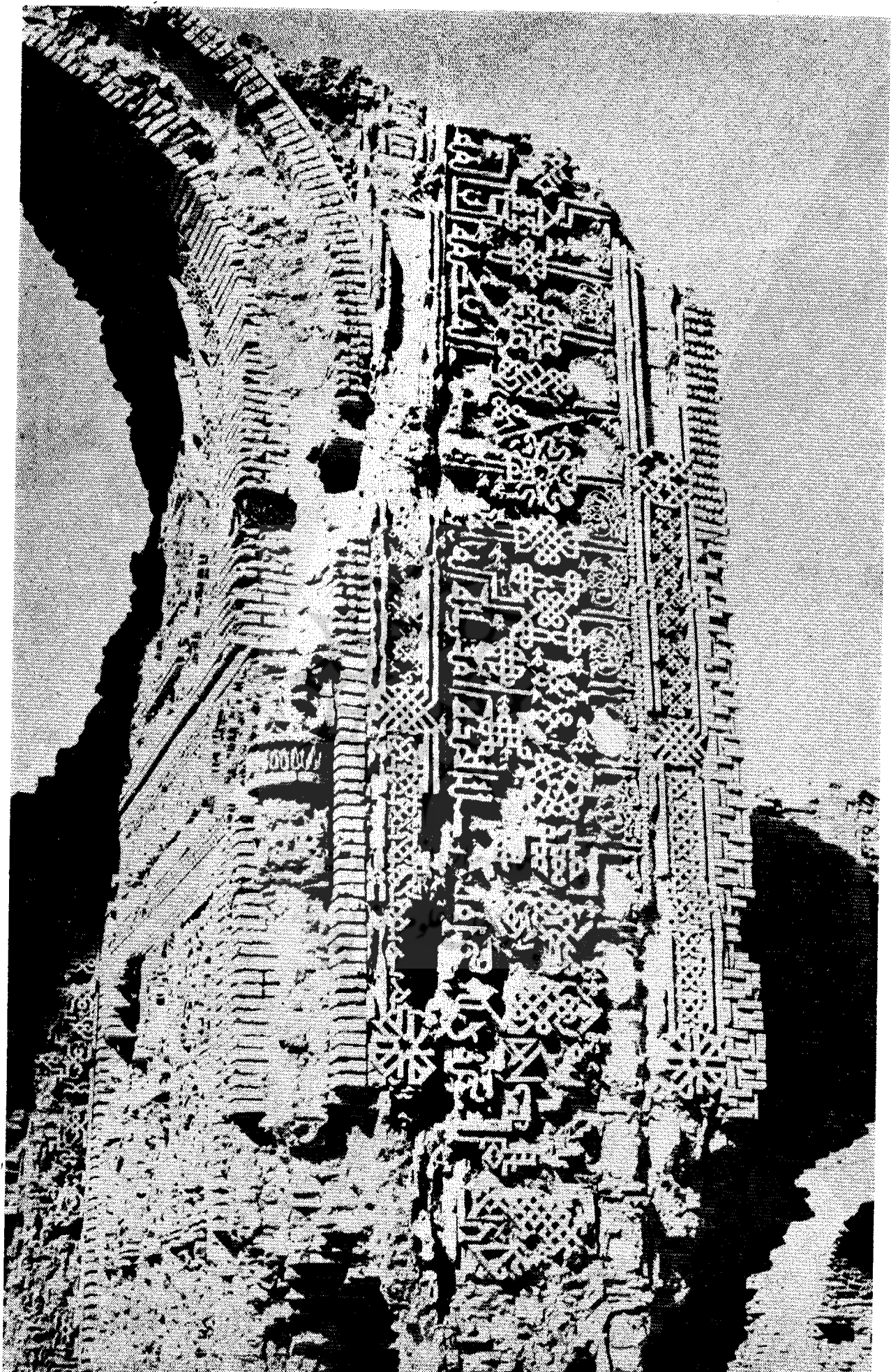
بنای مدرسه شاه‌مشهد بر ساحه مربع وار ۲۰×۴۴ شمالاً و جنوباً ۴۴×۴۴ متر شرقاً و غرباً واقعست و خشت‌های بخته (۲۵×۲۵×۵ سانتی‌متر) در آن کار شده و نقاشی‌های خشتی و گچی دیوارها و گنبدها و طاقها و ایوانهای آن نمونه اکمل هنر تزئین ابنیه خراسانی پیش از مغول است.

آقای ادولف گرهمن یکی از هنرشناسان غرب کوشیده تا برخی از کتابه‌های این مدرسه را بخواند، ولی نتوانسته است که نام بانی و معمار و جای خود مدرسه را بخواند و یا آن را بشناسد. بنابراین درین‌سطور به نقل و خوانش این کتابه‌های کوفی و غیره پرداخته و بنکات

مجله مطالعات آسیای مرکزی ۵۰ ص ۱۹۱-۱۹۷ سال ۱۹۷۱ و هم در مجله شرق و غرب ۲۱ ص ۵۵۳-۵۶۷ (سال ۱۹۷۱ م) نشر کردند، که در خوانش کتابه‌های کوفی آن سهوها و فرو گذاشتهای متعددی روی داده است.

از نظر ساختمان و هنر معماری، بقایای این مدرسه به سایر ابنیه باقیمانده دوره سلجوقیان و غوریان نیمه دوم قرن پنجم و تمام قرن ششم مانند بنای مرقد امام یحیی بن زبیل (در جوزجان) و ابنیه چشت و منارجام (غور) و دیگر ساختمانهای خراسان، شباهت‌های تام دارد و نظائر تزئینات گچی و کاشی‌کاری و خطوط تزئینی منقش کوفی و غیره آن در سائر ابنیه خراسان دیده می‌شود و چنانچه بیاید، معماران سه بنای مهم : مرقد سید یحیی و

عكس دوم (ب) - جناح راست مدخل مدرسه با كتيبه «بسم الله الرحمن الرحيم» امرت بينا هذه المدرسة المباركة ملكه (ق) المصطفاه العالمه «



«بسم الله الرحمن الرحيم»  
امرت بيناهذا المدرسة المباركة  
ملكة (؟) المعظمة العالمة .

جناح چپ :  
«العالیه (؟) ما هملك مد ظلها و  
ضاعف فی خیرها به تاریخ شهر رمضان سنه  
احدی و سبعین و خمسائه .»  
این کلمات اعداد آسیب فراوان دیده  
و آن را به زحمت احدی و سبعین و  
خمسائه (۵۷۱ ق) توان خواند.

در جناح راست کلمه (ملکه) هم  
فرو ریخته و بسند ضبط منهاج سراج آنرا  
(ملکه) می خوانیم، و در آغاز کتابه جناح  
چپ کلمه (العالیه) هم کامل نمانده و خوانش  
آن حدسی است .

این بانوی عالیه نیکوکار که بنای  
مجله مدرسه را با مرش ساخته اند، دختر  
نامور سلطان غیاث الدین محمد بن بهاء الدین  
سام غوریست (۵۵۸ - ۵۵۹ ق) که مورخ  
معاصرش قاضی منهاج سراج جوزجانی  
پرورده دربار و تربیت اوست، وی مینویسد:  
«و این داعی که منهاج سراج است  
نویسنده این کتاب، در حرم محترم خداوند  
ملکه جهان، زبیده العصر و الزمان جلال  
الدین والدین، سلطان الملكات فی العالمین  
ماه ملك بنت سلطان السعيد غياث الدین  
والدین ابوالفتح محمد بن سام قسیم  
امیر المؤمنین انارالله برهانه در شهروائی  
و ستمانه در پیش تخت معظم او در نظر  
آورده است (نسب نامه غوریان را) و آن  
ملکه جهان این ضعیف را در حجر پادشاهی،  
چون فرزندان، در پرورش پادشاهانه داشتی  
و شب و روز با صغر سن در حرم او بودی  
و در نظر مبارک او تربیت یافتی. و آن  
پادشاه زاده را مناقب بسیار است :

اول آنچه در تنق بکارت از دار فنا بدار  
بقا نقل کرد. دوم حافظ کلام الله بود. سیوم  
آنچه اخبار شهادت تمامت در حفظ داشت.  
چهارم آنکه در سالی یکبار قیام آوردی  
و تمام قرآن در دو رکعت نماز ختم کردی.  
و پنجم آنکه چون پدرش سلطان غیاث الدین  
محمد سام بر حمت حق پیوست، مدت هفت

سال روشنائی آفتاب روزی بروی نتافت  
و درین مدت برسر مصلای معتکف و منزوی  
بود رحمة الله علیها»<sup>۱</sup>

علاوه برین همین مورخ در جمله  
اولاد سلطان غیاث الدین، نام این بانوی  
نیکوکار را ملکه معظمه جلال الدین والدین  
آورده<sup>۲</sup> و ما می توانیم از گفتار منهاج سراج  
این نکته را دریابیم، که این شاهدخت  
تا سنه ۶۰۲ ق زنده بود، و بعد از وفات  
پدرش که در سنه ۵۹۹ ق واقع گردید،  
هفت سال دیگر هم زندگی عابدانه داشته  
و باید در حدود (۶۰۶ ق) از جهان رفته  
باشد .

برای شناسایی بیشتر این ملکه غور،  
باز از منهاج سراج بشنوید:

«ملك علاء الدین محمد پسر ملك  
شجاع الدین ابی علی بود، پسرعم هردو  
سلطانان غیاث الدین و معز الدین، از هردو  
برادر بزرگتر بود و هم حاجی بود و هم  
غازی . و هر دو سلطان او را در مخاطبه  
بلفظ خداوندیاد فرمودندی، و دختر سلطان  
غیاث الدین که ماه ملك نام و به لقب  
جلال الدین والدین و از دختر سلطان  
علاء الدین جهانسوز بود، در حباله او بود.  
و آن دختر پادشاه زاده بس بزرگ بود  
و قرآن مجید محفوظ او بود و خطش  
چون در شاهوار بود... و از دنیا همچنان  
بکر رفت. بسبب آنچه پیش از وی ملك  
ضیاء الدین<sup>۳</sup> کنیزك ترك داشت که مادر  
پسر او بود، مگر او را عقده بود، برین  
ملکه قادر نشد، و آن ملکه در جمال  
و عفت و زهدات در همه دنیا مثل نداشت.  
و والده این کاتب با او هم شیر و هم مکتب  
بود. و این داعی را آن ملکه در حجر عنایت  
و حرم عصمت خود پرورده بود، و تا آوان  
بلوغ به خدمت بارگاہ حرم او بود، و احوال  
این داعی و اجداد مادری همه به خدمت  
در گاه پدرا و مخصوص بودند و آثار عطوفت  
او در ذمه این ضعیف، بسیار بود...»<sup>۴</sup>

بدین نحو ما این ملکه غور را با صفات  
و کمالات و سیرت نیکوی او از گفتار منهاج  
سراج می شناختیم، ولی تا خوانش کامل

این کتابه که در ماه اسد (مرداد) سال ۱۳۵۵  
شمسی روی داد، تأسیس این مدرسه شاه  
مشهد - که بمناسبت فتح هرات بر دست پدرش  
سلطان غیاث الدین بنا گردیده - در مآثر او  
نمی شماریم .

وقتی در تقریر منهاج سراج صفات  
ماه ملك را می خوانیم و باز در کتابه ابوان  
عالی درب این مدرسه، صفات عالیه عالیه  
را می بینیم، بصدق قول مورخ مذکور  
پسی می بریم و دو شاهد گویا بر سجایای  
نیکوی این ملکه بدست می آید (علیها -  
الرحمة)<sup>۵</sup>

عکس سوم و چهارم: دلیل صحت سال بنا  
و علت آن :

نویسنده مقاله مجله شرق و غرب آقای  
گلنتر حدس بجایی زده، که کتابت سوره  
۴۸ الفتح قرآن بر رواق های مدرسه، این  
فرضیه را تأیید می نماید، «که بنای مدرسه  
بیادگار فتح سلطان غیاث الدین بر غزو و یابکی  
از فتوحات دیگر حکمران باشد.»

درین باره باز بسند قول منهاج سراج  
باید گفت، که مدرسه بمناسبت فتح هرات که  
در شهور سنه احدی و سبعین و خمسائه بود  
ساخته شده و تاریخ بنا را هم - چنانچه  
گذشت - همین سال (۵۷۱ ق) بدان ثبت  
کرده اند.

۱- منهاج سراج جوزانی : طبقات ناصری  
۳۱۹ ر۱ طبع دوم حبیبی در کابل ۱۳۴۲ ش .

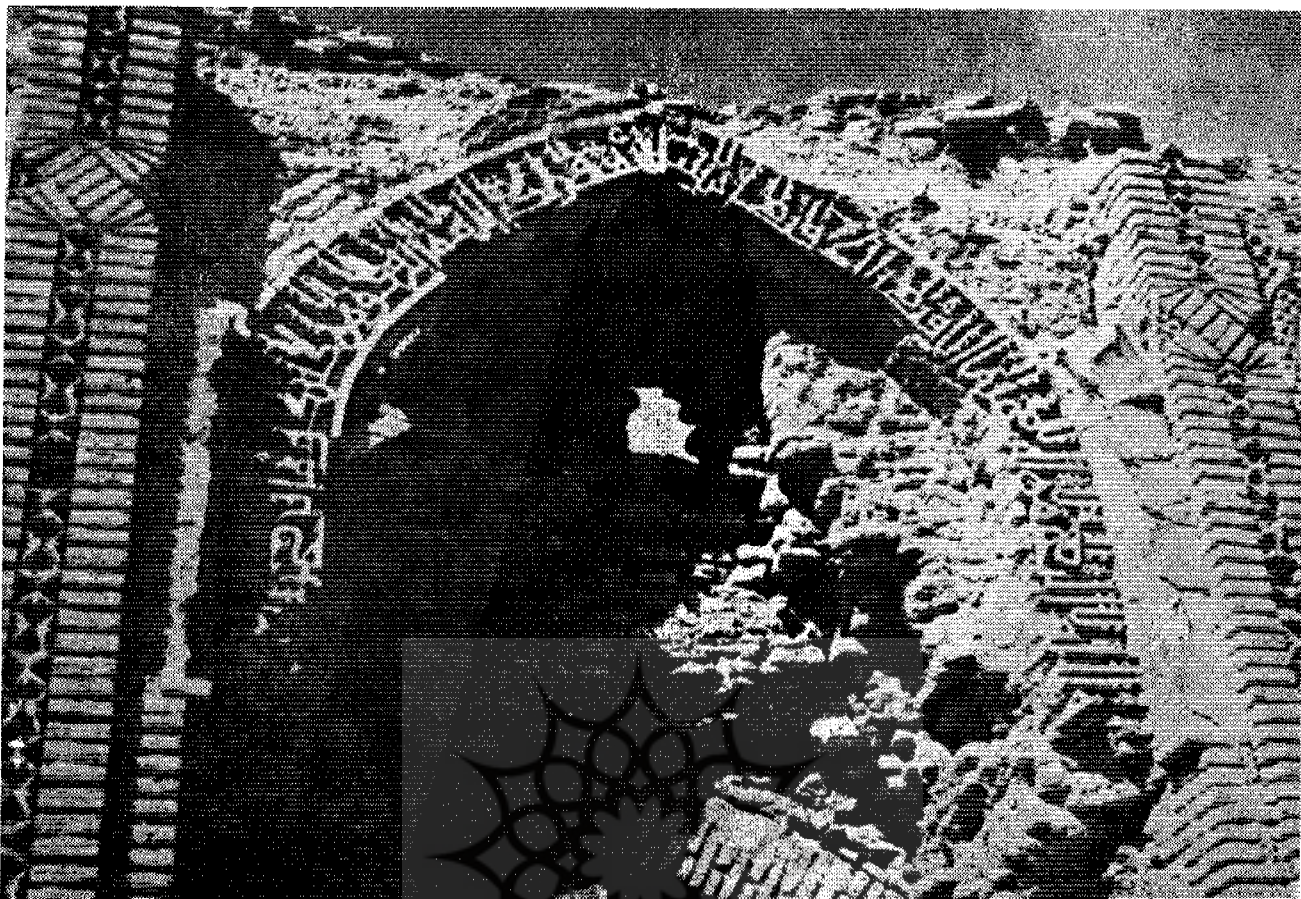
۲- همین کتاب ص ۳۶۷

۳- لقب ملك علاء الدین پیشتر ضیاء الدین  
بود، چون سلطان معز الدین تخت فیروز کوه و  
ممالک غور و غرستان وزمین و داور اورا داد،  
خطاب او در خطبه ملك علاء الدین شد و پیش ازین  
اورا ملك ضیاء الدین در غور گفتندی (طبقات  
ناصری ۳۷۰ ر۱) .

۴- همین کتاب ۳۷۰ ر۱

۵- سنت مدرسه و مسجد سازی که از ابناء خیریه  
دینیست، در بین ملکات غور سابقه داشت، بقول  
قاضی منهاج سراج : مادر ملك ضیاء الدین در غور  
با پسرش به زیارت حرمین مشرف گشت و در مکه  
خانقاهی بنا و معتمدان نصب فرمود، نام او ملکه  
حاجی شد و در ممالک غور بسیار مدارس و مساجد  
بنا فرمود (طبقات ناصری ۳۴۱ ر۱)

۶- طبقات ناصری ۳۵۸ ر۱



عکس سوم - سورة ۴۸ قرآن شریف الفتح : «انا فتحناک فتحاً مبیناً . لیغفرلک الله . ما تقدم من ذنبک وما تأخر ویتیم»

عکاسی کرده و کتابه‌های آن را دقیقاً خوانده‌اند.<sup>۷</sup>

درین بنا نام معماران آن چنین مذکور است :

«مما عمل ابونصر (؟) محمد بن احمد البنا الترمذی غفرالله له و لوالدیه».

و جای دیگر : «مما جراد (؟) علی بیدی ابی حمزه احمد بن محمد غفرالله له و لوالدیه».<sup>۸</sup>

دوم کتابه بنای مدفن سالار جلیل سید معنم الرازی (؟) است، که مردم آن را زیارت میرحاجتم یا جوره امام گویند و تا کنون کتابه‌های آن بادقت وصحت خوانده نشده

و من در یک مقاله دیگر آن را معرفی

بدست یکدو معمار ساخته شده باشند.

از عکس ۵-۶ نام محمد ... بن احمد

بن محمود بدست می‌آید، که باید او را در پرتو کتابه‌های دو بنای دیگر جوزجان شناخت .

اول : بنای مرقد سید یحیی بن زید

بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب که در ارغوی جوزجان روز جمعه ماه شعبان

سنه ۱۲۵ ق بدست سلم بن احوز در آن حکمرانی نصر بن سیار و ایام خلافت ولید بن

یزید اموی شهید گردیده و از طرف ابو عبدالله محمد بن شاذان الفارسی، ظاهراً

در عهد سلجوقیان معاصر غوریان آباد شده است، که قبلاً آقای ا، د، ه. بیولا از آن

کتابت آغاز سورة الفتح را بخط کوفی تزئینی در عکس‌های ۳-۴ بنگرید.

عکس پنجم و ششم معماران این مدرسه : در عکس پنجم بر کنار چپ (عمل محمد) نوشته شده و ادامه آن در عکس

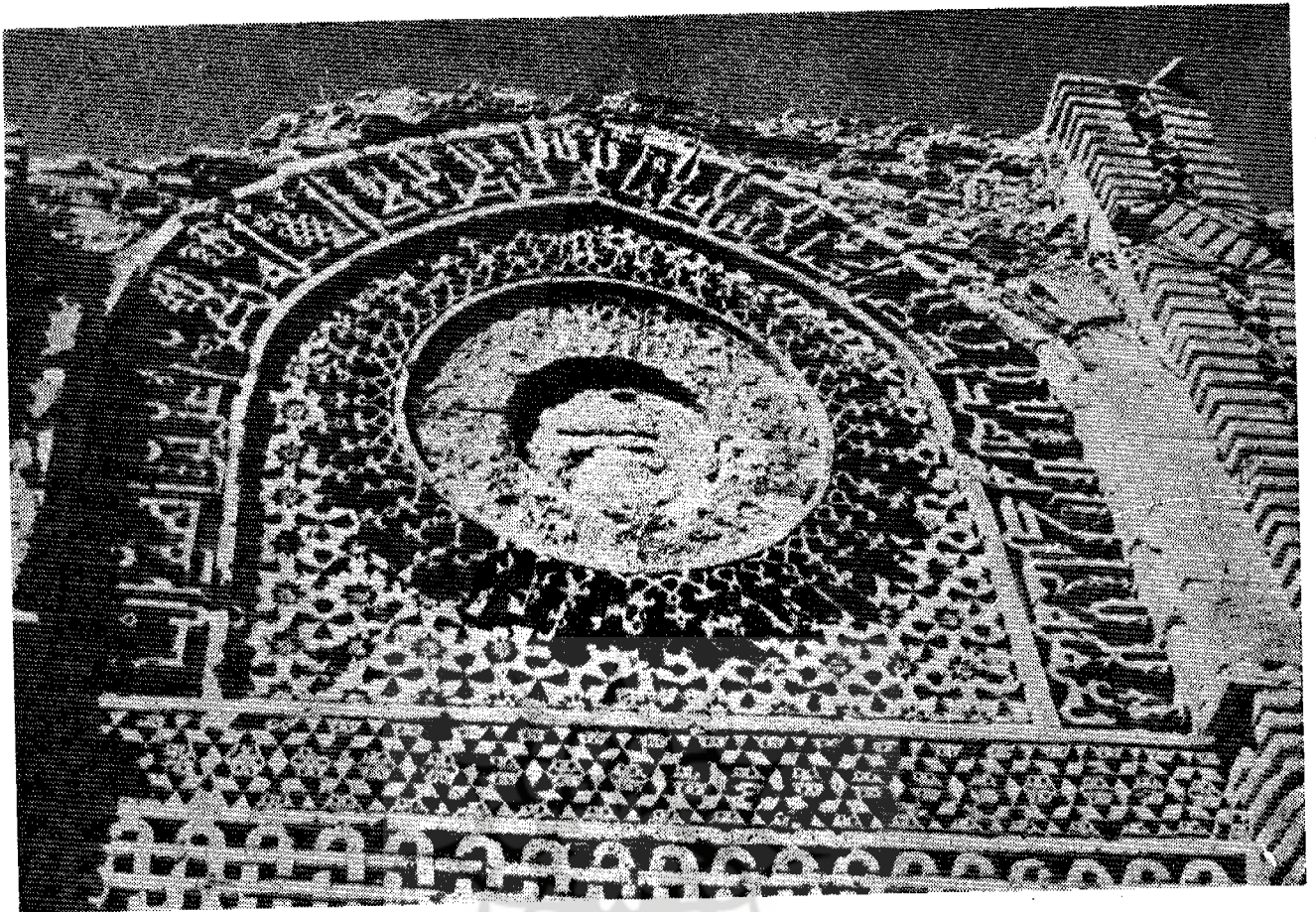
ششم است، که آن را ... احمد بن محمود ...

توان خواند، و از شباهت تمام نقاشی گچی و سبک کوفی نویسی تزئینی خشتی و دیگر

خصوصیات معماری که درین ابنیه مدرسه با بنای مرقد سید یحیی بن زید (جوزجان)

و مقبره سالار جلیل سید منعم الرازی ؟ (جوزجان) پدیدار است، پژوهنده به این

فکر می‌افتد که در سبک معماری این ابنیه و زمان بنای آن مشترکاتی هست، که باید



عکس چهارم - ادامه سورة الفتح : « نعمته عليك ويهديك صراطاً مستقيماً ، وينصرك الله نصراً عزيزاً ، هو الذي »

خواهم کرد، در میان گنبدی قبریست گچی که صندوق سنگی آنرا قبلاً کنده برده اند، بردیواری بعد از معرفی صاحب قبر کلمات: «عاملها (?) ابو حمزه احمد بن محمد...» بنظر می آید.

پس اگر نام های این معماران معاصر سلاجقه و غوریان را که در آثار باقیه هنری ابنیه ایشان تشابه نام و اشتراك سبك به نظر می آید، با دقت بررسی کنیم به این نتیجه می رسیم: معمار و بنّاء مرقد سید یحیی در جوزجان محمد بن احمد ترمذیست که در شاه مشهد بنام محمد بن احمد بن محمود (عکس ۵-۶) نامش تکمیل می شود.

ولی نویسنده کتابها و ترمین کننده

عکس هفتم و هشتم : نام شاه مشهد:

نام جایی که امروز بقایای مدرسه در آن افتاده در حکومتی چوندولایت بادغیس، از افواه مردم بنام (شاه مشهد) شنیده می شود.

اگرچه در منابع دیگر منشور یا منظوم دری یا عربی به آن برخوردیم، ولی از خود کتابه (عکس ۷-۸) ثابت می آید، که

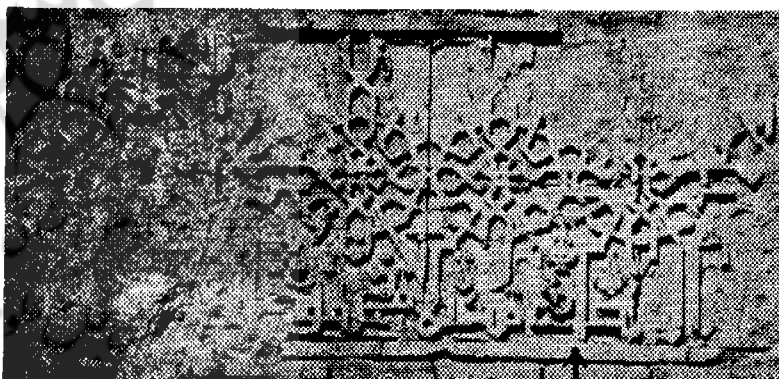
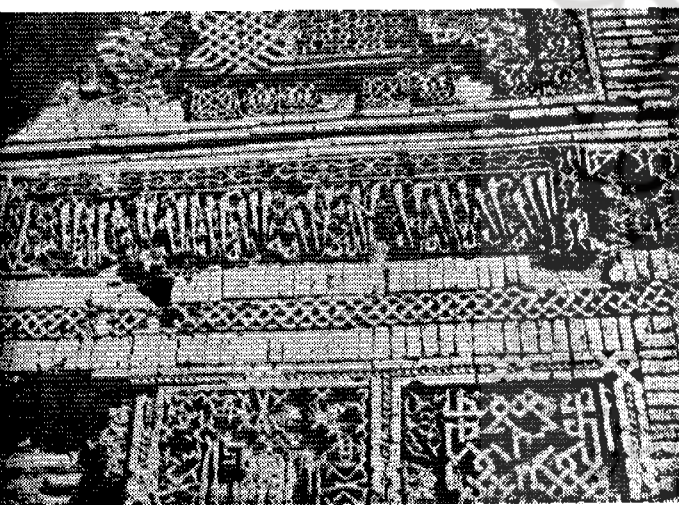
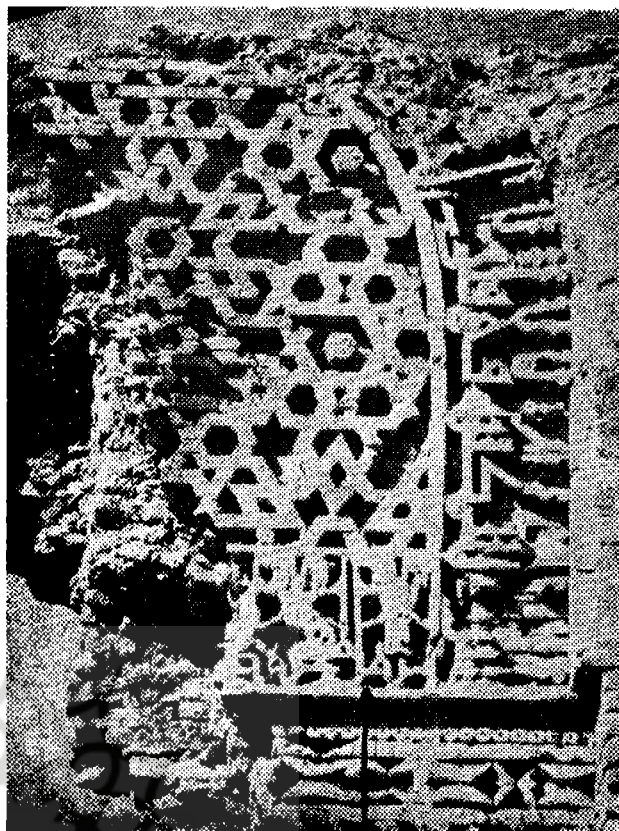
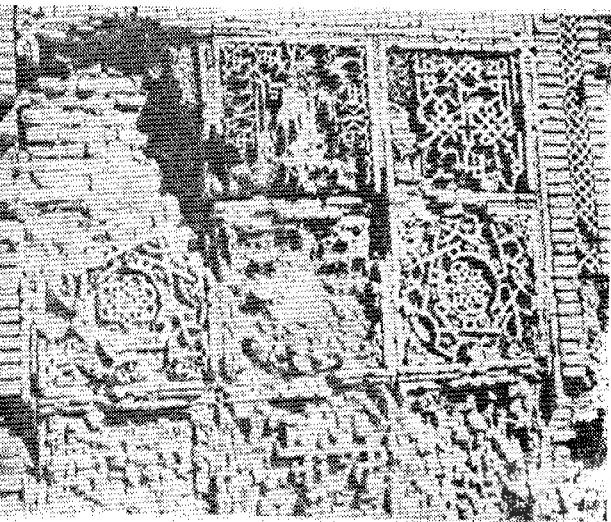
دیوارهای مرقد سید یحیی، ابی حمزه احمد بن محمد نام داشت، که باز همین نام را در مشهد سالار جلیل سید منعم هم عیناً می بینیم و ازین اسناد بنام دوتن هنرمند زبردست عصر سلجوقیان و غوریان آشنا می شویم، که تحلیل و مطالعه علمی روش ساختمانی و سبك ترمینی آن بناها با ابنیه مشابه دیگر در هرات و چشت و غزنه و غور، کار هنرشناسان و مهندسان واهل فن است:

۱- معمار و بنّاء: محمد بن احمد ترمذی (ابونصر؟)

۲- کتابه نویس و ترمین کننده: ابو حمزه احمد بن محمد.

۷- بولتن مدرسه مطالعات شرقی و افریقی دانشگاه لندن ج ۲۹ جزء ۱ سال ۱۹۶۶ م.

۸- بولتن مذکور ص ۶۰



در عصر غوریان و حین بنای این بنیان  
مرصوص (۵۷۱ ق) هم آن را (شاه مشهد)  
می گفته اند و تا کنون نمی دانم که وجه این  
تسمیه چه باشد ؟

در عکس ۷ قسمتی کوچک از تزئینات  
دیواری (دیگوریشن) مدرسه دیده می شود  
مشمول بر مربعات کوچک ۳×۳ که کتابه های  
اکثر آن فروریخته و آنقدر آسیب دیده،  
که خواننده نمی شود، ولی در مربع وسطی  
ردیف پائین، بر دور کلمه المدرسه،

عکس پنجم - بالا سمت راست - در طرف چپ تزئینات «عمل محمد...» دیده می شود  
عکس ششم - پائین سمت راست - ..... احمد بن محمود .....

عکس هفتم - بالا سمت چپ - در مربع میانه ردیف پائین نام شاه مشهد در اطراف مدرسه  
بطور مکرر ذکر شده

عکس هشتم - پائین سمت چپ - همان مربع که شاه مشهد در آن مکرر نوشته شده و در ستون  
بالا کلمه طیبه «لا اله الا الله» بخط تیری متمایل به ثلث تکرار شده است

نام (شاه مشهد) سه بار بنظر می آید و پهلوی راست آن مربعی است که در آن کلمات هو الجمیل ... را توان خواند. و عکس ۸-۹ این دو مربع را قدری روشن و جلی تر نشان می دهد، که پهلوی این مربعات بعد از دو قطار تزئین خشتی و در بین آن تزئین زنجیری کلمه لاله الا الله مکرر در ستون جداگانه با خط متمایل به ثلث، که امتداد حروف آن مانند تیر است یعنی بالاضحیم و پائین تیز نوکدار، نوشته شده، و وجود نام شاه مشهد در خود کتابه مدرسه، قدمت این نام را میرساند.

عکس نهم و دهم: انواع خطوط مستعمله:

در این دو عکس و عکس های پیشین می بینیم که انواع خطوط مروجّه نیمه دوم قرن ششم هجری را در کتابه های مدرسه بکار برده اند بشرح ذیل:

۱ / خط تزئینی کوفی پیچیده در اشکال و نقوش گچی و خشتی مقفل مانند دو جناح ایوان مدخل (عکس دوم)  
 ۲ / خط ساده کوفی نیامیخته با گل کاری تزئینی مانند سوره الفتح عکس ۳-۴-۱۰.

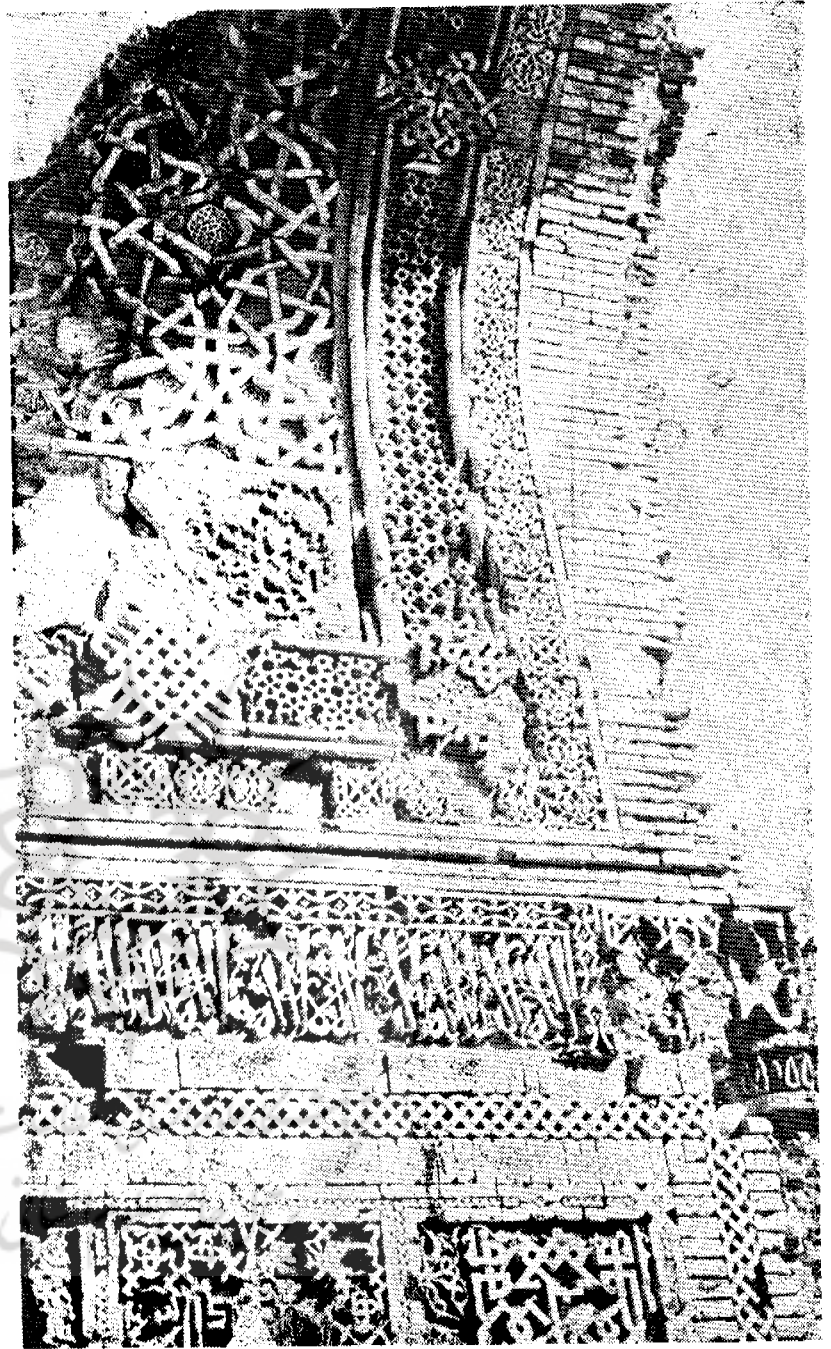
۳ / خط متمایل به ثلث نوکدار میخی مانند عکس ۸-۹.

۴ / خط ثلث متمایل به ریحان مانند گوشه راست عکس ۱۰، از بقایای مدرسه شاه مشهد که زیر آن سوره الکافرون به خط ساده کوفیست.

۵ / خط ثلث جلی متمایل به نسخ. مانند عکس ۱۰ که کلمات والمساجد ... در آن نمایانست.

از تنوع و تعدد اشکال خطوط مستعمله این مدرسه در می یابیم، که در قرن ششم هجری غیر از خطوط پیچیده و مقفل و ساده کوفی، خطوط دیگری مانند انواع ثلث و نسخ هم به میان آمده و مورد استعمال کتابه های تزئینی ابنیه دینی مانند مساجد و مقابر و مدارس و حتی قصور حکمداران هم قرار گرفته بود.

در عکس ۲ - ۳ - ۴ - ۹ - ۱۰،



عکس نهم - انواع خطوط و تزئینات دقیق گچی و خشتی مدرسه شاه مشهد





عکس دهم :

- ۱ - بالا گوشه راست: خط ثلث متناوب به ریحان
- ۲ - پائین : خط کوفی ساده کتابت
- ۳ - تزئینات خشتی نظیر بنای قبر اسماعیل  
سامانی در بخارا
- ۴ - خط ثلث جلی متناوب به نسخ پیچیده در  
تزئینات گچی ، ششمین نوع خط در کتیبه‌های  
مدرسه شاه مشهد

انواع این خطوط با تزئینات متنوع گچی و خشتی دلکش دقیق نمایانست و انسان تصور می‌کند که این معمار ماهر هنرمند نازک‌کار، اوزاد معماری و تزئین را بمنزله خامه‌ مویی نقاش زیبانگار بکار برده و دقیق‌ترین گل‌نگاری و آرایش دیواری را در گچ و خشت پدید آورده است.

ویرانهٔ مدرسهٔ شاه مشهد در ناحیتی از کوهساران زیبا، دارای دره‌ها و رودها و آبشارهای دلکش واقع است، که این آبهای روان در بین کوهسار، بندی طبیعی تشکیل داده که آب صاف ایستاده دارد و مردم آن سرزمین (آب پوده) گویند. منظر يك آبشار و بند آب طبیعی را در عکس (۱۱) بنگرید!

این ناحیه در عصر غزنویان به غرjestان مربوط بود و ابوالفضل بیهقی داستان گذشتن سلطان مسعود و تمام درباریان و خود بیهقی را بعد از شکست داندانقان ۴۳۱ ق و پیروزی سلجوقیان، ازین ناحیت تفصیل می‌دهد که این راه‌گریز فراریان شکست خوردهٔ غزنه را «راه حوض» گوید<sup>۹</sup> و مردم آن را غرjestانی می‌نامد<sup>۱۰</sup>، و از اینجا با سلطان مسعود به قصبهٔ غرjestان میرسد و گوید:

«امیر به آب روان رسید، حوضی سخت بزرگ». <sup>۱۱</sup> که به گمان نزدیک بیهقین همین رود مرغاب و بند آب بوده باشد.



عکس یازدهم :

در نواحی شاه مشهد از فراز کوهساران پر برف چنین آبشارها و رودهای خروشان سرازیر و مناظر زیبایی را ایجاد می‌کنند که در عکس پائین يك قسمت بند طبیعی آب دیده می‌شود و بقیهٔ آب آن به سوی دریای مرغاب سرازیر می‌گردد و این همانست که بیهقی از آن با کلمات «حوضی سخت بزرگ» یاد کرده است

۹- تاریخ بیهقی ۸۳۶

۱۰- همین کتاب ۸۳۷

۱۱- همین کتاب ۸۳۸